



## درس‌های مطالعات انتقادی برای ارتباطات در ایران

یونس شکرخواه

اجتماعی در چارچوب بررسی نقش فرهنگ در ستیز علیه سلطه، درس‌های کاربردی فراوانی دارد.

مکتب ساختارگرا (دهه ۱۹۶۰)

مکتبی که از دهه شصت با آرای فردینان دو سوسور، پدر بازشناسی نوین پاگرفت و چهره‌هایی نظیر کلود لوی اشتراوس به آن جان بخشیدند. مکتبی سرشار از جانمایه‌های عمیق پژوهشی است. ساختارگرایی آغازین در حلقه میخائیل باختین (۱۹۷۵-۱۸۹۵) منتقد ادبی روسی پا گرفت، اما بعدها با نام‌های بزرگی نظیر لویی آلتوسر، ژرژ دومزیل، ژان لاکان، ژاک دریدا، ژرژ باتای و میشل فوکو و... عبور ساختارگرایی آغازین به مرحله ساختارگرایی و سپس پساساختارگرا خبر داد. این مکتب که واقعیت را ساختند می‌داند و کاشف دوانگاری متضاد<sup>۱</sup> به عنوان عنصر بنیادین زبان است و بالاخره متن را ابژه می‌داند و با رولان بارت از مرگ مؤلف خبر می‌دهد

مکتب فرانکفورت (۱۹۲۰)

با چهره‌هایی نظیر تئودور آدرنو، هربرت مارکوزه، یورگن هابرماس و... و تأکید بر نقش مرکزی ایدئولوژی در ارتباطات و یا توجه عمیق به مقوله صنایع فرهنگی و گستره همگانی درس‌های بی‌شماری را برای آموختن دارد.

مکتب مطالعات فرهنگی بیرمنگام (۱۹۶۴)

به‌طور کلی ادبیات برخاسته از توجه محوری به نقش فرهنگ در دگرگونی‌های اجتماعی با چهره‌هایی چون استوارت هال، ریموند ویلیامز، آنتونیو گرامشی و جیمز کری و مطالعات مربوط به تأثیرات منفی پیامدهای بازرگانی (پژوهش‌های ریموند ویلیامز، استوارت هال، ادگار مورال، آرماند ماتلار) و یا برتری‌جویی فرهنگی (در آثار گرامشی، پیروردیو، توین ون دایک و...) و به‌طور کلی قرار دادن فرهنگ در متن تولید و بازتولید

مقدمه:

مکاتب انتقادی در عرصه ارتباطی با نگاهی نقادانه و زیربنایی به عرصه‌هایی نظیر تاریخ، اقتصاد، سیاست، فرهنگ، اجتماع، ادبیات، هنر و فلسفه نظر می‌افکنند.

اگر چه تلاش می‌شود مکاتبی چون مکتب فرانکفورت، مکتب مطالعات فرهنگی بیرمنگام، مکتب ساختارگرا، مکتب سلطه‌ارتباطی و یا اندیشه اقتصاد سیاسی بحث‌هایی مربوط به گذشته قلمداد شوند، اما این مکاتب کلاسیک با توجه دوباره مواجه شده و پیروان آنها می‌کوشند این آموزه‌ها را از طریق به چالش کشاندن، روزآمد کنند و برداشت‌های تازه‌ای به دست آورند. تشکیل انیستیتوهای نظیر انیستیتو نظریه انتقادی\* که یک انیستیتو اکادمیک است و یا برپایی سایت‌های متعدد در زمینه‌های ادبیات انتقادی ارتباطی در اینترنت که تأثیرات آن در به شکست کشاندن اجلاس سیاتل مشخص شد، همه حاکی از تجدیدحیات اندیشه انتقادی در عرصه الکترونیک است.

و تحلیل گفتمان را عرضه می‌کند، آموزه‌های فراوانی را از هر دو جنبه ساختی و فرهنگی در بردارد.

### مکتب سلطه ارتباطی

مجموعه مطالعات ضدسلطه را در عرصه ادبیات ارتباطی عرضه می‌کند. نام مکتب به خوبی گویاست: آمیزه‌ای از آرای هربرت شیلر، گالیان، ماتلار، هابرماس و... که بر مالکیت رسانه‌ها و نقش سلطه‌گر سرمایه‌داری تمرکز دارد. استفاده از دستاوردهای اندیشمندان ضدسلطه به خوبی می‌تواند مفاهیم آرای گالبرایت‌ها، برژینسکی‌ها، تافلرها و دانیل بل‌ها را روشن سازد و علیه حاکمیت پارادایم گلوبالیسم نوعی توازن برای تصمیم‌گیری‌ها به وجود آورد.

### مکتب اقتصادی سیاسی

اگر چه از زاویه ارتباطی در دانشگاه لستر انگلیس بیشتر طرف توجه قرار گرفت و افرادی نظیر جیمز هالورن و پیتز گولدینگ بر آن تکیه کرده و مقوله سلطه ارتباطی را نیز مطرح کردند، اما مکتبی ریشه‌دار است که به ادبیات مارکسیستی نیز شانه می‌زند. این اندیشه در عرصه ارتباطات به عنوان یک شاخه از علوم اجتماعی، به مناسبات نهادها و فرایندهای مرتبط اقتصادی و سیاسی می‌پردازد دستاوردهای این مکتب در شناسایی عوامل تأثیرگذار و تأثیرپذیر در دو نقشه ثروت (اقتصاد) و قدرت (سیاست) بسیار شایان توجه است. طرح تئوری الیت<sup>۲</sup> از سوی اندیشمندان عرصه اقتصاد سیاسی مبتنی بر حاکمیت اقلیت با منافع مشترک بر اکثریت، از طریق قدرت الیت<sup>۲</sup> در جامعه آمریکا از جمله این موارد است.

### طرح مسأله

آیا مطالعات انتقادی و مکاتب برخاسته از آن می‌تواند در برنامه‌ریزی‌های

- مکتب‌های فرانکفورت، مطالعات فرهنگی بیرمنگام، ساختارگرا، سلطه و اقتصاد سیاسی درس‌های فراوانی برای آموختن دارند.
- کن اِلتا: به جای دولت - ملت‌ها، اکنون با هفت صنعت حاکم ارتباطی مواجهیم.

درست مثل دولت - ملت‌های قرن نوزدهم هر کدام تلاش می‌کنند تا به یک ابرقدرت تبدیل شوند. اِلتا که ادغام شرکت‌ها را با هدف گریز از مخاطرات سرمایه‌داری ارزیابی می‌کند معتقد است رقابت این صنایع در حالتی شبیه به جنگ قرار دارد. او از جمله به سرمایه‌گذاری ۵۰۰ میلیون دلاری مایکرو سافت در عرصه یک برنامه خیری ۲۴ ساعته با NBC اشاره می‌کند. از دیدگاه وی سازمان‌های آمریکایی برای پیشروی در عرصه بازاریابی جهانی حتی دست به استراق سمع می‌زنند.

کن اِلتا همچنین معتقد است نظریه دهکده جهانی مک لوهان یک پیش‌بینی اشتباه بود، زیرا ما اکنون اگرچه با فضای جهانی مواجه هستیم، ولی عرصه رقابت، داخلی است و به دیگر زبان ما به جای یک دهکده جهانی با ده‌ها دهکده جهانی مواجه هستیم، چرا که یک توریست آمریکایی در آسیا به دنبال نتایج مسابقات فوتبال آمریکاست و در همان حال توریست هندی دنبال نتایج کریکت می‌گردد. ضمن این‌که حالا همه می‌کوشند CNN‌های خودشان را بسازند. او همچنین مردوک، غول رسانه‌ای را مثال می‌زند. اِلتا می‌گوید او که ظاهراً باید با آزادی بیان موافق باشد ولی به محض این‌که آزادی مزبور با منافعش تضاد پیدا می‌کند، بی‌بی‌سی را از پخش ماهواره‌ای خود در چین کنار می‌گذارد. او در عین حال می‌گوید علی‌رغم شعارهایی که درباره کنار رفتن دولت‌ها از فعالیت‌های مربوط به بازار داده می‌شود، ولی دولت‌ها مثل گوریل‌هایی هشتصدپوندی سرراه نشستند.

از دیگر سو رابرت. دبلیو مک چسنی

ارتباطی در ایران و به ویژه در تدوین یک برنامه ملی ارتباطی طرف توجه قرار گیرد؟ آیا می‌توان صاحب یک نظام انقلابی بود و در عرصه ارتباطات به صورتی غیرانقلابی عمل کرد؟ آیا گردهمایی از برنامه‌ریزی‌های ارتباطی بدون توجه به ریشه‌ها و اهداف انقلاب، امری عقلایی است؟ در حالی که کشورهای گوناگون جهان به تدوین برنامه‌های خود تحت عنوان جامعه اطلاعاتی<sup>۴</sup> رو آورده‌اند آیا می‌توان به تجارب آنان بسنده کرد؟ آیا اصلاً مطالعه‌ای در این زمینه صورت گرفته است؟ اگر آمریکایی‌ها بتوانند دو برنامه زیرساخت ملی اطلاع‌رسانی (NII)<sup>۵</sup> و زیرساخت جهانی اطلاع‌رسانی (GII)<sup>۶</sup> به سرکردگی «ال‌گور» (Al Gore) را متحقق سازند، واکنش ما چیست؟ پیوستن به این برنامه‌ها یا مقابله با آن؟ هر نوع تصمیمی نیازمند مطالعات بنیادی است. چیزی که در زمینه ارتباطات فاقد آن هستیم.

### فضای جهانی

شعار انقلاب ارتباطی کماکان در فضای جهانی حاکم است اما به گفته «کن اِلتا»

(Ken Auletta)<sup>۷</sup> نباید ویژگی‌های این زمانه را به دست فراموشی سپرد. او می‌گوید در این دوران به جای مواجه شدن با دولت - ملت‌ها اکنون با هفت صنعت ارتباطی حاکم مواجه شده‌ایم: کمپانی‌های تولیدکننده انواع کابل‌ها، استودیوهای هالیوودی، شبکه‌های پخش برنامه‌های رادیویی - تلویزیونی، کمپانی‌های تلفن، کامپیوتر، وسایل برقی مصرفی و کمپانی‌های انتشاراتی که

(Robert W. McChesney) در مقاله‌ای تحت عنوان مبارزه جهانی برای ارتباطات<sup>۸</sup> می‌نویسد از بدو پیدایش نظام‌های وسایل ارتباط جمعی، کنترل و ساختار آنها یک موضوع سیاسی بوده است. او می‌گوید؛ آمریکا به طرز ویژه‌ای باید برای فعالان و پژوهشگران عرصه ارتباطات یک کشور، مهم به حساب بیاید، چرا که این کشور است که مدل جهانی ارتباطات تسجاری را به وجود آورده است. او می‌گوید؛ مشخصه انقلاب ارتباطات، دو فرایند است.

اول: تمرکز شرکت‌ها در صنایع رسانه‌ای با تمایل شدید به گلوبالیسم (جهانی‌شدن)

دوم: توسعه ارتباطات دیجیتالی در ارتباطات بی‌سیم که ارتباطات را ارزان‌تر و در دسترس‌تر ساخته است از دیدگاه این پژوهشگر انتقادگرا، دو فرایند انقلاب ارتباطی دو پیامد مهم دارد.

پیامد اول: تلفیق رسانه‌ها با ارتباطات دوربرد و صنایع کامپیوتری که بخش مزبور و برخاسته از آن در موضع برتر در بازار و اقتصاد جهانی قرار خواهد گرفت و این در حالی است که خصوصی‌سازی وسایل ارتباطی از ۱۹۸۴ به بعد ۱۰۵ میلیارد دلار در آمد داشته است.

پیامد دوم: آینده رسانه‌های سنتی و تلفن در هاله‌ای از ابهام قرار خواهد گرفت و اینترنت نیز در موقیعت کمپانی‌ها تفاوت ایجاد کرد. پرسش این است که آیا تعامل موجود در اینترنت جای خود را به تعامل برای معاملات تجاری خواهد داد و آیا تحلیل مدیر اجرایی IBM در زمینه شبکه‌های کامپیوتری جهانی درست است که می‌گوید؛ اینترنت به «بزرگ‌ترین، عمیق‌ترین، سریع‌ترین و امن‌ترین بازار جهان تبدیل خواهد شد» اگر سناریوی مزبور درست باشد، آنچه در پیش است جنگ ۵ الی ۸ شرکت موسوم به غول رسانه‌ای بر سر تصرف جهان است.

مک چسنی می‌گوید؛ اگر نیرویی

اقتصاد سیاسی یک جامعه را تحت کنترل خود بگیرد، نظام ارتباطی آن را نیز کنترل خواهد کرد و به این ترتیب حتی فرصت طرح این پرسش بنیادین که نظام ارتباطی چگونه و با چه اهدافی طراحی شود، پیش نخواهد آمد. او می‌گوید؛ هنوز بحث‌های ملی بر سر برنامه‌ریزی ارتباطی وجود دارد و هنوز عده زیادی هستند که نگران حفظ هویت و تولیدات فرهنگی خویش می‌باشند، اما توازن قدرت به نفع بازار جهانی در حال تغییر است. در دهه هفتاد جهان سومی‌ها از یونسکو برای پیشبرد نظم‌نویین جهانی ارتباطی و اطلاعاتی (NWICO) استفاده کردند، اما اکنون صندوق بین‌المللی پول (IMF) از آنان می‌خواهد تا وسایل ارتباطی خود را خصوصی سازی کنند. و این در حالی است که سازمان تجارت جهانی (WTO) هم دفاع از حقوق معنوی شرکت‌ها را در عرصه اقتصادهای رو به ظهور، جزو اولویت‌های خود قرار داده است.

مک چسنی می‌افزاید: محرکه اصلی تجاری سازی رسانه‌ها و همچنین ایجاد بازارهای ارتباطی جهانی عمدتاً از ناحیه آمریکا دنبال می‌شود و به آن دامن زده می‌شود. غول‌های رسانه‌ای اصلی و شرکت‌های مالک آنها عمدتاً در آمریکا مستقر هستند و این امریکاست که مقررات و قوانین ارتباطی را برای جهان می‌نویسد: سیستم بازارگرایی رسانه‌ای آمریکا در سراسر جهان ظهور دارد و خود را دموکراتیک می‌خواند چون «آنچه مردم می‌خواهند را عرضه می‌کند» و این در حالی است که هیچ نگرش دیگری نمی‌تواند برای خواسته‌های واقعی مردم وارد عمل شود چرا که در این صورت گرفتار بوروکراسی عجیبی خواهد شد. البته علاقه مردم به رسانه‌های بازارگرا در آمریکا یک مقوله ژنتیک نیست و مردم با چنین گرایش‌هایی از مادران خود متولد نمی‌شوند. بلکه این گرایش یک پدیده اکتسابی است. رادیو در اوایل دهه بیست

عمدتاً می‌کوشید در خدمت مردم باشد اما سرمایه‌داری در پایان این دهه، آگهی را به آن تزریق کرد. مخالفان تجاری شدن رادیو یعنی اقشاری از دانشگاه‌ها، مذاهب، نیروی کارگری، سازمان‌های مدنی، گروه‌های زنان، کشاورزان، روزنامه‌نگاران و طرفداران آزادی‌های مدنی به میدان آمدند اما کنگره آمریکا با وضع (قانون ارتباطات ۱۹۳۴)<sup>۹</sup> به تأسیس کمیسیون ارتباطات فدرال (FCC) پرداخت و به این ترتیب مخالفان را زمین‌گیر کرد و سپس انقلاب دیجیتال باعث شد تا مرزبندی بین بخش و تلفن شکسته شود و لذا قانون ارتباطات ۱۹۳۴ دچار مشکل شد، چرا که در این قانون این مرزبندی از جنبه فعالیت تصریح شده بود. و به این ترتیب با تصویب کنگره و امضای بیل کلیتون رئیس جمهور آمریکا (قانون ارتباطات دوربرد ۱۹۹۶)<sup>۱۰</sup> جای قانون ارتباطات ۱۹۳۴ را گرفت. قانونی که هرگز شانس مورد بحث قرار گرفتن در بین مردم را به دست نیآورد و عمدتاً محصول لابی‌ها بود. تنها بحث‌های مطروحه بر سر نحوه قرار گرفتن شرکت‌ها در ریل‌های قطار خصوصی‌سازی بود. روح این قانون که با شرکت‌ها و سود گره خورده است فقط مورد بحث افرادی مثل نیوت گینگریج (Newt Gingrich) و ال‌گور قرار گرفت. اولی می‌گوید؛ سود همان خدمت عمومی است (!) و دومی که نگرانی‌های مردم در زمینه آینده تحولات ارتباطی را قبول می‌کند، می‌گوید باید سود به دست آید تا بتوان به این نگرانی‌ها رسیدگی کرد(!)

از دیدگاه مک چسنی ارتباطات لیبرالی بر ایسدتولوژی «بازار اشتباه نمی‌کند» استوار است و این یک دین مدنی آمریکایی<sup>۱۱</sup> است که در دهه ۹۰ عالمگیر شد.

باید به دیدگاه منتقدانه مک چسنی این نکته را نیز افزود (که طرح GII آمریکایی‌ها به تصویب اتحادیه ارتباطات

دوربرد جهانی (ITU) نیز رسیده است و آن ایدئولوژی اکنون از یک پشتوانه بین‌المللی هم برخوردار شده است. در هر صورت در جهانی که حتی چند کلمه می‌تواند یک مذهب، یک جنگ یا صلحی فراگیر بیافریند، همه چیز در حال تغییر است کلماتی که تا دیروز شنیده می‌شدند (صوت) یا خوانده (متن) حالا نه شنیده می‌شوند و نه دیده می‌شوند ولی باز هم کلمه هستند اما این بار به مدد بیت‌ها (Bits)، به مدد بیت‌هایی که به قول نیکولاس نگروپونته (Nicholas Negroponte) دارند جای اتم‌ها را می‌گیرند. او در ویژه‌نامه تایم پیرامون آینده تکنولوژی از دنیایی خبر می‌دهد که

رادیکالیسم به تفکرات پان‌کاپیتالیستی که جوهره‌اش بی‌مرزی اقتصادی و گسست سیاسی است گردن نهاد؟ اندیشه تئولبرال معاصر درصدد ایجاد جوامع تله‌ماتیک است. این فلسفه سیاسی از طریق جهانی‌سازی اقتصادی، تجارت آزاد و شرکت‌گرایی فراملی و از طریق ایجاد یک طبقه مجازی درحال تحقق است، طبقه‌ای که فرهنگ مجازی، سیاست مجازی و هزاران مجازی دیگر را می‌سازد و ویران می‌کند، طبقه‌ای که زبان یقه طلایی‌ها را می‌فهمد، زبان کسانی را که از داخل سرزمین‌های خود بدون مهاجرت به این طبقه مجازی می‌پیوندند، یقه طلایی‌هایی که مهارت خود را بر بال کامپیوترها به

می‌شوم که جامعه اروپا، هفت کشور صنعتی، ژاپن، آمریکا، مالزی و... همه برنامه‌های جامعه اطلاعاتی خود را برای کوتاه‌مدت و بلندمدت نوشته‌اند.

به نظر می‌رسد به دلیل پیشروی فزاینده پان‌کاپیتالیسم که مرهون سه روند ارتباطی فشرده‌گی در انباشت و بازیافت داده‌ها، گردآوری انعطاف‌پذیر (مونتاز جهانی در کارخانه جهانی) و بالاخره تمرکززدایی سرمایه و پراکنده شدن آن در سراسر جهان است (در جهان ۳۷۰۰۰ شرکت فراملی وجود دارد که پیرو گلوبالیسم هستند) باید به اقداماتی سریع در کنار اقدامات بلند مدت دست زد.

### استفاده از ادبیات انتقادی

استفاده از ادبیات انتقادی و بهره‌وری از تجارب این مطالعات بسیار گره‌گشاست. مطالعات انتقادی اگرچه از قرن ۱۹ دنبال شده و هم اکنون نیز درصدد روزآمدسازی خود است، اما مهمترین نکته آن در اینجا نهفته است که زیر چتر اندیشه‌های آزادی‌گرا رشد یافته ولی خود از اندیشه سرمایه‌داری فاصله گرفته و در همان چارچوب به انتقاد از سرمایه‌داری پرداخته است. به دیگر سخن، ادبیات انتقادی نسبت به سرمایه‌داری، ذهنی نیست و بنابراین انتقاداتی نیز ذهنی نیست. این ادبیات برخلاف ژانر سنتی خود که در بلوک شرق ریشه گرفت اکنون در اروپا و آمریکا طرفداران فراوانی در عرصه آکادمیک، سازمان‌های غیردولتی و نهادهای مدنی به دست آورده است.

علی‌القاعده جمع‌جسیدی که به‌روزآمد کردن اندیشه‌های انتقادی رو آورده است خود نیز نقادانه با این ادبیات برخورد می‌کند. به عنوان مثال ساختارگرایان کنونی یا پسا‌ساختارگرایان دیگر در تبیین ساختارها و ساخت‌مندی‌ها دیدگاه ضدانسانی ندارند و نقش عامل انسانی را مانند ساختارگرایان آغازین به هیچ نمی‌انگارند.

■ **مطالعات انتقادی اگرچه از قرن نوزدهم دنبال شده اما مهمترین نکته آن در اینجا نهفته است که علی‌رغم رشد در زیر چتر اندیشه‌های آزادی‌گرا، از اندیشه سرمایه‌داری فاصله گرفته است.**

■ **ادبیات انتقادی برخلاف ژانر سنتی خود که در بلوک شرق ریشه گرفت، اکنون در اروپا و آمریکا طرفداران فراوانی در عرصه‌های آکادمیک، سازمان‌های غیردولتی و نهادهای مدنی به دست آورده است.**

همه چیز آن دیجیتال خواهد بود.

### شرایط ما

چه برآورده ساختن آرمان‌های انقلاب و چه اجرای پروژه گفت‌وگوی تمدن‌ها به‌عنوان تازه‌ترین پیام بین‌المللی ایران همه و همه نیازمند داشتن یک استراتژی ملی ارتباطی است. این استراتژی متأسفانه تاکنون تدوین نشده است. این وضعیت در حالی ناتمام مانده است که پان‌کاپیتالیسم کنونی برای دوران دیجیتالی جهان در زمینه تدوین استانداردهای جهانی بسیار فعال است آیا ما می‌توانیم با شعارهای انقلاب اسلامی برنامه‌های IMF و WTO را دنبال کنیم؟ آیا می‌توان با اعتقاد به

اقصی نقاط جهان می‌فرستند و مثل یقه سفیدها و یقه‌آبی‌ها به زمین گره نخورده‌اند و متأسفانه در وسایل ارتباط جمعی ما نیز به چنین بحث‌هایی پرداخته نمی‌شود و مطالبی چون کاپیتالیسم دیجیتال کماکان ناشناخته است.

از دیگر سو در نظام برنامه‌ریزی کشور نیز هنوز با ارتباطات در برنامه‌های توسعه در قالب اختصاصی یک یا چند بند برخورد می‌شود و این درحالی است که جوامع امروزی با نوشتن برنامه‌های جامعه اطلاعاتی (Information Society) در واقع این برنامه‌ها را برنامه توسعه می‌شناسند - که این نوشتار مجال پرداختن به آنها را نمی‌دهد - و فقط یادآور

تعقیب‌کنندگان بحث‌های مربوط به اقتصاد سیاسی نیز به‌طور مطلق شیفته دو عامل اقتصاد و سیاست نیستند و حالا به شاخص‌های توسعه انسانی (HDI)<sup>۱۲</sup> هم توجه می‌کنند. آنها عواملی چون طول عمر، میزان سواد و تولید سرانه، مسائل مربوط به جنسیت، محیط زیست و زنان را هم مورد توجه قرار می‌دهند.

طبیعی است که دیدگاه‌های انتقادی موجود در جهان رنگ جغرافیایی هم دارند و به‌خاطر توجه به متغیرهای تأثیرگذار پیرامونی خود توجه بیشتری به متغیرهای بومی خود دارند و بنابراین ما نیز در برخورد با این اندیشه‌های انتقادی باید از گرت‌برداری محض خودداری کرده و با اقتباس‌هایی که به متغیرهای بومی ما نزدیک‌تر باشد وارد عمل شده و به آنها توجه بیشتری داشته باشیم.

می‌شود این چرخ به سهولت نچرخد، تکیه یک‌جانبه بر انتقال مفاهیم مدنی از کانال نهادهای رسانه‌ای و باز به‌طور محدودتر از کانال روزنامه‌هاست، حال آن‌که تحقق چنین هدفی مستلزم همگامی نهادهای آموزشی و نهادهای صنفی (مدنی به مفهوم اخص کلمه) نیز هست و چون این دو نهاد پا به پای رسانه‌ای حرکت نمی‌کنند، پدیده مزبور در سطح متوقف مانده و یا به‌کندی حرکت می‌کند. حرکت و همگامی این سه نهاد می‌تواند با صیقل‌زدن هر بحث و نظری آن را به صورتی آماده در اختیار نهادهای قانونگذار قرار دهد. متأسفانه در حال حاضر مطبوعات [به‌عنوان نمونه] خبر ز بردن قانون تجارت الکترونیکی (e - Commerce) به مجلس می‌دهند، بی‌آنکه پیامدها، منافع و مخاطرات وضع

■ جمع جدیدی که به روزآمد کردن اندیشه‌های انتقادی رو آورده است، خود نیز نقادانه با این ادبیات برخورد می‌کند.

■ جنبه مثبت مطالعات انتقادی این است که با علل بحران در پارادایم حاکم ارتباطی آشنا است.

### مثلث پالایش

به‌نظر می‌رسد که ادبیات انتقادی قابل بهره‌برداری است اما این بهره‌برداری باید در دو چارچوب کوتاه‌مدت و بلندمدت و هر دو در گستره یک مثلث پالایشی صورت گیرد. اضلاع این مثلث را نهادهای آموزشی، نهادهای رسانه‌ای و نهادهای مدنی شکل می‌دهند.

عدم حضور و یا کم‌کاری یکی از این نهادها باعث می‌شود تا نتیجه مطلوب حاصل نشود. به عبارت بهتر، استفاده از یک مثال روز می‌تواند به روشن‌تر شدن مسأله کمک کند. چرا بحث مربوط به جامعه مدنی در شرایط کنونی از عمق لازم برخوردار نشده است؟ روشن است که یکی از این موانع جناح بندی‌های سیاسی موجود در سطح جامعه ایران و به ویژه در ساختار قدرت است اما آنچه که باعث

عنوان یک دستور کار در سه نهاد پیش‌گفته باشد. دانشکده‌های ارتباطی ایران توان کارشناسی لازم را برای تقبل مأموریت بخش اکادمیک دارا می‌باشند، این توان در نهادهای رسانه‌ای نیز متصور است و نهادهای صنفی نیز به دلیل احساس لبه تیز رقابت قطعاً به ضرورت رؤیایی با فضای موجود رسیده‌اند و راه‌کارها را باید در اختیارشان نهاد.

### پرسش‌های کلیدی

#### ● جامعه قرن ۲۱ چه جامعه‌ای

است؟ به چه مؤلفه‌هایی نیاز دارد؟ تور جغرافیا از هم گسسته شده است. به دیگر سخن حالا ارتباط فرهنگ و زمین (جغرافیا) از هم گسیخته است. شاید تا دیروز اگر در خاک خودت می‌ماندی و به مهاجرت نمی‌رفتی از گزند تغییرات مخرب در امان می‌ماندی و تأثیرپذیری فرهنگی هم به خاطر آهستگی حمل‌ونقل به‌کندی صورت می‌گرفت، اما حالا حتی در شکاف کوه‌ها هم در امان نیستی، زیرا دست ابزارهای ارتباطی به تو می‌رسد و لذا ترا در سرزمین خود به مهاجرت می‌کشاند و فرهنگ دیگری را در برابر تو قرار می‌دهد تا آن را مصرف کنی. به زبان دیگر، ابزارهای ارتباطی «زمان اخطار» را به حداقل رسانده‌اند. تغییر نا‌های محلی به باگت و چیده شدن پیتزاها بر سفره غذاهای محلی و تغییر قیافه جوانان، آن‌قدر سریع و جهانی به وقوع پیوست که این تصور را که اوضاع برگشت‌پذیر است، از جمع زیادی سلب کرد، در هیچ برهه‌ای از تاریخ، کودکان تا این حد با آرم‌ها و نشانه‌های محصولات آشنا نبوده‌اند، این نسل، اتیکت زده‌ترین نسل بشر است. و این در حالی است که جوامع بالادست، شمالی‌ها، فراصنعتی‌ها، دیجیتال‌ها و یا هرچه که آنها را بنامیم، در آماده‌ترین حالت واکنشی قرار گرفته‌اند، آنها با تدوین برنامه‌های «جامعه اطلاعاتی» خود را برای

چنین قوانینی ولو برای لحظاتی در سه نهاد پیش‌گفته مطرح شده باشد.

بنابراین در زمینه استفاده از تجارب ادبیات انتقادی نیز هر سه نهاد فوق باید این ادبیات را در قالب نقدهای درونی خود ریخته و با پالایشی همه‌جانبه از میان آن دست به اقتباس بزنند. و باز سؤال این است که به‌عنوان نمونه بحث‌های ارتباطی مهمی چون تدوین قانون جدید مطبوعات و یا تشکیل شبکه‌های خصوصی تلویزیونی و همچنین وضع قوانین پیرامون شبکه‌های اطلاع‌رسانی دیجیتال و اینترنت در ایران تا چه حد از رویه فوق تبعیت کرده است؟

شتاب تحولات ارتباطی در عرصه جهانی که باعث مرگ‌زمان و مکان شده است ایجاب می‌کند که طرح کوتاه‌مدت ما طبقه‌بندی مفاهیم ادبیات انتقادی به

پاسخ‌گویی چندباره به یک نسل آماده کرده‌اند. دولت‌مدرن در جهان معاصر به دولتی اطلاق می‌شود که توان بازآفرینی چندباره را در قبال یک نسل داشته باشد، دولت مدرن دولتی نیست که برای چند نسل یک پاسخ داشته باشد.

### ● کدام پارادایم حامی خیر و صلاح عمومی است؟

این پرسش کلیدی دیگری است که بخشی از پاسخ خود را از درون پرسش اول جست‌وجو می‌کند.

جامعه و قدرت در ارتباط با یکدیگر هستند و قدرت محصول بلافصل دانش است. قدرت از طریق ترویج پیوسته دانش و از طریق فرایند دیالوگ درونی در جامعه شکل می‌گیرد و بنابراین به هر پارادایمی متوسل شویم آن پارادایم باید آموزش سواد رسانه‌ای<sup>۱۳</sup> را در کانون توجهات خود داشته باشد. سواد رسانه‌ای به معنی خواندن و نوشتن نیست. این مفهوم کلاسیک سواد بود. سواد رسانه‌ای می‌کوشد تا رابطه رسانه‌ها با قدرت و سپس رابطه قدرت و عدالت را روشن کند و این هردو از گمشده‌های انسان‌هایی هستند که خواسته و ناخواسته به آستانه جامعه اطلاعاتی رسیده‌اند.

### ● تکنولوژی چیست و چه باید باشد؟

آیا تکنولوژی‌های نوین و دوربرد الزاماً به دمکراسی ختم می‌شوند، آیا باید مفهوم دمکراسی از راه دور (Tele democracy) یا دمکراسی دیجیتال را باور کرد؟ آیا تکنولوژی‌های نوین الزاماً همگرا هستند؟ با تکثرگرایی ناشی از مولتی‌مدیاها چه باید کرد؟ تبدیل نظام‌های متمرکز از بالا به پایین به نظام‌های نامتمرکز از پایین به بالا چگونه امکان پذیر است؟ چه کنیم تا تکنولوژی کورمان نکند و چه کنیم تا مثل لودیت‌ها به ضدیت با تکنولوژی کشانده نشویم؟ این پرسش‌ها در کانون مطالعات

انتقادی قرار داشته و پاسخ‌هایی نیز به آنها داده‌اند. انسان حق دارد اشتباه کند، اما حق ندارد اشتباه دیگران را تکرار کند. جنبه مثبت مطالعات انتقادی این است که با علل بحران در پارادایم حاکم ارتباطی آشناست، در ناکجا آبادی‌های ارتباطات جهانی قدم زده، از کارخانجات فرهنگی غرب خرید کرده و تأثیرات منفی مدیریت افکار عمومی به دست سرمایه‌داری را دیده و در عین حال با منطق ژئو اقتصادی فراملی‌ها نیز آشناست. اگر چه مشکل مطالعات انتقادی این است که از ادبیاتی صرفاً آکادمیک بهره می‌گیرد و چون در جمع آکادمیسین‌ها محدود مانده قادر به راهبری بیداری جهانی وجدان‌ها نیست، اما باید از این ادبیات بهره گرفت و به خصوص یافته‌های آنان را در افشای تباعرض‌های مدرنیسم و واقعیت‌های سرمایه‌داری طرف توجه قرار داد.

در کنار این طرح کوتاه‌مدت، در طرح بلندمدت باید با مطالعات تاریخی در نظام‌های شفاهی و مکتوب ایران و همچنین با شناسایی عوامل ضعف و قدرت، زمینه‌های تدوین یک سیاست ملی ارتباطی را فراهم آورد. پرداختن به این طرح بلندمدت، خود، موضوع چندین پژوهش است. □

### پی‌نوشت‌ها:

\* انیستیتو نظریه انتقادی (Critical Theory Institute) با برپایی سمینارها، سخنرانی‌ها و کارگاه‌ها (Workshop) کارشناسان را به پژوهش در زمینه احیای اندیشه انتقادی فرا می‌خواند.

انیستیتوی مزبور کتاب‌هایی را در زمینه اندیشه انتقادی منتشر ساخته است که نام نویسندگانی چون فرانسوا لیوتار (Francois Lyotard)، مارک پوستر (Mark Poster)، ژاک دریدا (Jacques Derrida) را بر خود دارند. یکی از بزرگ‌ترین پژوهش‌های انیستیتوی نظریه انتقادی بررسی «نیروهای جهانی‌سازی» (Forces of Globalization) است که سال‌های ۱۹۹۵ تا ۱۹۹۸ را در برمی‌گیرد. آنها در این تحقیق نیروهای جهانی‌سازی را در چهار شبکه حاکم شرکت‌ها (Corporates)، فرهنگ (Cultural)، تکنولوژی (Technological) و محیط زیست (Environmental) بررسی کرده‌اند.

### 1. Binary Opposition.

2. Elite (elitist) theory.
3. Power elite.
4. Information Society.
5. National Information Infrastructure.
6. Global Information Infrastructure.
۷. کن آلتا نویسنده مقالات ارتباطی در نشریه نیویورکر (New Yorker) است. وی نویسنده کتاب «سه موش کور: چطور شبکه‌های تلویزیونی راه خود را گم کردند» هم هست:

[Three blind Mice: How the tv networks lost their way]  
۸. «ربرت دلبو. مک چنی» این مقاله را در شماره تابستان ۱۹۹۶ نشریه «مانتلی ریویو» (Monthly Review) تحت عنوان زیر نوشته است:

[Global Struggle for Communication]  
9. Communication Act of 1934.  
10. The US Telecommunication Act of 1996.  
11. Civic Religion in the United states.  
12. Human Development Index  
13. Media Literacy.

### برای مطالعات بیشتر:

- Negropte, Nicholas (2000): "Will Everything be Digital?" Time Weekly Magazine. July 3. Vol. 156, No.1.
- Press, Larry (1996): "What May the WTO Telecommunication Mean for Emerging Nations?" [WWW document] URL: <http://www.som1.csu.edu/fac/deunat/general/conluis.html>.
- Auletta, Ken (1996): "The Emperial Moment, Fourteen Truism of the Communications Revolution" [www document] URL: <http://www.mediastudies.org/mediamergers/contents.html>
- McChesney, Robert (1996): "Global Struggle for Communication" [www document] URL: <http://www.interact.voregon.edu/medialiv/homepage>.
- Held, David (1980): Introduction to Critical Theory, Horkheimer to Habermas. Berkeley and Los Angeles: University of California Press
- Politics of the Digital Communication Revolution [www document] URL: [http://www.ai.mit.edu/Projects/iiip/conferences/apsa\\_94/PoliticalCommunication.html](http://www.ai.mit.edu/Projects/iiip/conferences/apsa_94/PoliticalCommunication.html)
- Critical Thinking about Communication [www document] URL: <http://www.mannlib.Cornell.edu:10000/bv11/Comm280/whatsnew/html>